

درس خارج فقه استاد هادی عباسی خراسانی

جلسه هشتادم، ۳ اسفند ۱۳۹۹

موضوع: مسائل مستحدثه (بورس)/ سهام استقراضی / جواز معامله سهام استقراضی بر اساس روایات عاریه

1- حدیث اخلاقی (مراقبات ماه رجب)

خدا را شاکریم که در این ماه رجب توفیق یافتیم، در محضر روایات باشیم.

حدیثی امروز محضران تقدیم می‌شود که مرحوم صاحب وسائل در ج ۱۰، ص ۴۹۳ آورده‌اند؛ مرحوم میرزا جواد آقا ملکی تبریزی هم، در اعمال ماه مبارک رجب، در مراقبات آورده‌اند:

1.1- ماه رجب، ماه ولایت

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «شهر رمضان، شهر الله و شعبان، شهر رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم و رجب، شهری [1].»

تعبیر مهمی است که ماه رمضان، ماه خدا است؛ ماه شعبان، ماه رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم است؛ و رجب، ماه من است؛ ماه ولایت است. هرچه ارزش پیدا می‌کند، به ولایت و محبت و تقرب به حضرت حق، ارزش پیدا می‌کند. در دعاهای روزهای ماه شعبان دارد که «اللَّهُمَّ فَأَعِنَّا عَلَى الْإِسْتِثْنَانِ بِسُنَّتِهِ [2].» «ماه مبارک رجب، نیاز به مراقبت خاص دارد.»

1.2- انس با دعا، یکی از مراقبات ماه رجب

اعزه من، ان شاء الله در این ماه با خواندن دعاهای مختلفی که وارد شده است، به خصوص دعاهایی که از جانب حضرت امام زمان عجل الله فرجه الشریف، وارد شده است، بخوانید و انس بگیرید؛ این دعاهای، برای انس گرفتن من و شما است. ﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ﴾؛ [3] این از آن کسانی است که در محضر اولیای الهی، برای ماه رجب خود، برنامه‌ریزی داشته باشند.

1.3- بهره‌گیری از کتاب مراقبات مرحوم ملکی تبریزی رحمه الله

خداوند، مرحوم آقای ملکی تبریزی را رحمت کند که مراقبات ایشان را توصیه می‌کنم هر ماهی که می‌رسد، نگاهی کنید؛ و مراقبات آن ماه را ملاحظه کنید که چگونه باید مراقبت داشته باشید. بهترین مراقبت در این ماه، این است که سعی کنیم «أیها الرجیبون» و «این

الرجبیین [4] «را به خود اختصاص دهیم. به مرحله‌ای برسیم که ان شاء الله خدای کریم، ما را ندا کند؛ ما، مخاطب به خطاب حضرت حق باشیم؛ همان طور که در روایات داریم: داعی، ما را به این ماه دعوت کند، در این ماه قرار گیریم و ان شاء الله جزو کسانی باشیم که بتوانیم دعوت حضرت حق، «أین الراجبیین» و «أیها الراجبیین» را به خود اختصاص دهیم.

1.4- نظر مرحوم قاضی رحمه الله در مورد مراقبات ماه رجب

مرحوم آقای قاضی طباطبایی رضوان الله علیه، استاد مرحوم علامه رضوان الله علیه می فرمودند: «اولیای الهی، برای سیر و سلوک شان، به ویژه در ماه رجب، آداب خاصی را داشتند؛ حد اقل این بود که مراقب بودند که در این ماه، هر کاری را انجام ندهند و هر چیزی را نگویند؛ هم مراقبت زبانی داشتند و هم مراقبت حالی و قلبی.»

ان شاء الله همه ما، این گونه باشیم و به مرحله‌ای برسیم که آن چه رضای حضرت حق است، پیاده کنیم.

2- خلاصه جلسه گذشته

در انواع معاملات بورس، به بحث معامله استقراضی رسیدیم؛ اینکه آیا سهامی را می توان به صورت عاریه یا قراردادی در اختیار دیگری قرار داد و بعد از مدتی با سود یا بدون آن، آن سهام را تغییر و تبدیل داد، یا در اختیار دیگری قرار داد یا نمی شود؟ به عبارت بهتر شخصی که مالک سهام است، می شود این سهام را با سر رسید مشخص و زمان معلوم در اختیار دیگری قرار دهد و بگوید می خواهد در این مدت، هم از شرکت و هم در خرید و فروش های مختلف، سودی دریافت کند؟ می تواند برای اینها قرارداد ببندد یا خیر؟

3- عاریه، عقد است، نه ایقاع

در مباحث عاریه بودیم و شرایط خاصی که دارد. عاریه عقد جایز است. برخی آن را ایقاع می دانند؛ ولی به نظر ما، عقد است؛ اکثر فقها هم، آن را عقد می دانند؛ از عقود است که بسته می شود و دارای ضمان هم نیست؛ مگر اینکه شرط ضمان کنند؛ اگر شرط بگذارند، آن بحث دیگری است.

4- روایات عاریه

در روایاتی بودیم که از این روایات می شود استفاده کرد که سهام استقراضی، بحثی کاملاً مشروع است؛ اگر سهامی را به صورت عاریه بدهد و شرط خاصی بگذارد، باید به آن عمل کند.

4.1- روایت اول

وإسناده عن أحمد بن محمد، عن محمد بن أبي عمير، عن جميل بن صالح، عن عبد الملك بن عمرو، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «ليس على صاحب العارية ضمان إلا أن يشترط صاحبها، إلا الدارهم فإنها مضمونة، اشترط صاحبها أو لم يشترط»؛ [5]

اینجا، ضمان می آید.

4.2-روایت دوم

محمد بن علی بن حسین بإسناده عن إسحاق بن عمار عن أبي عبد الله أو أبي إبراهيم عليهما السلام قال: «العارية ليس على مستعيرها ضمان الا ما كان من ذهب او فضة؛ (اینها استثنا است) فإنهما مضمونان اشترطا او لم يشترطا»؛ [6]

در طلا و نقره شرط کند یا نکند، ضمان هست.

4.3-روایت سوم

در همین باب ۴ هست: «باب أن من استعار من غير المالك بغير إذنه فهو ضامن، وأنه لا بد من كون المعير مالكا جائز التصرف و حكم إعارة المحرم الصيد.»

محمد بن علی بن حسین قال: «قال عليه السلام إذا استعيرت عارية بغير إذن صاحبها، فهلكت، فالمستعير ضامن»؛ [7] کسی که مال را گرفته ضامن است.

4.4-جمع بندی روایات: عدم ضمان مال عاریه‌ای، مگر در مواردی که شرط ضمان کنند

روایات هم، صحیحه و قابل افتا است. از مجموع اینها این استفاده می‌شود که اگر خرید و فروشی به عنوان عاریه‌ای صورت گرفت یا اموالی را به صورت عاریه در اختیار دیگری قرار دادند و شروط خاصی نگذاشتند، اینها ضمان ندارد؛ شرط خاصی را گذاشتند، باید عمل کند. نتیجه می‌گیریم که طبق این روایات و اقوالی که از بزرگان، محضران عرض کردیم، اگر برخی خرید و فروش‌های استقراضی داشت، در صورتی که رعایت مسائل مبتلابه آن باب بشود، اشکالی ندارد.

5-جواز فروش عاریه‌ای سهام، بر اساس روایات

از مجموع روایات این استفاده می‌شود که فروش عاریه‌ای سهام، اشکالی ندارد.

6-قابلیت بقاء عین، شرط جواز عاریه

بحثی در عاریه مطرح است که عاریه باید از اعیان باقیه باشد؛ یعنی چیزی که در حال تلف شدن باشد، نمی‌توانیم آن را عاریه دهیم؛ ولی چیزی که بقا دارد، می‌توانیم. این سهام، عین آن سهام نیست؛ عینش از بین رفته، ولی از طرفی دقت کنیم، ارزش همان سهام را دارد؛ آیا در اینجا سهام، جزو اعیان باقیه است یا اعیان تالفه که قابل عاریه باشد یا خیر؟

6.1- قابلیت بقاء ارزش سهام، از نظر عرف و عقلا و جواز معامله سهام استقراضی

عرض ما این است که سهامی که جابه‌جا می‌شود و مالیتش ارزش گذاری می‌شود و هر روز ارزش خاصی دارد و قابل مبادله و خرید و فروش هست، شاید به عنوان دیدگاه عرفی و عقلایی بشود این را گفت که سهام، جزو اعیان باقیه است؛ عاریه در آن صدق می‌کند. اگر گفتید سهام، قابل تبدیل و تبدل است و باقی نیست، عاریه صحیح نیست؛ ولی اگر اعیان باقیه در سهام طوری است که همانند اعیان باقی است، عاریه در آن صحیح است؛ گرچه تبدیل و تبدل می‌شود، ولی عرف برای آن ارزش مالی خاص قائل است؛ همین است که قابل عاریه و تبدل و تبدل هست.

[1] وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج. ۱۰، ص ۴۹۳، أبواب الصوم المندوب، باب ۲۸، ح ۲۳، ط آل البيت.

[2] کلیات مفاتیح الجنان، قمی، شیخ عباس، ج ۱، ص ۱۵۶.

[3] بقره/سوره ۲، آیه ۱۸۶.

[4] وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج. ۱۰، ص ۴۷۹، أبواب الصوم المندوب، باب ۲۶، ح ۱۲، ط آل البيت.

[5] وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۱۹، ص ۹۶، أبواب العاریة، باب ۳، ح ۳، ط آل البيت.

[6] وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۱۹، ص ۹۷، أبواب العاریة، باب ۳، ح ۴، ط آل البيت.

[7] وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۱۹، ص ۹۷، أبواب العاریة، باب ۴، ح ۱، ط آل البيت.